

و تشویق بازاریان تهران کوشید تا قبرستان بقیع را بازسازی کند؛ ولی توفیقی نیافت.^۱ جلال آل احمد نیز در کتاب *خسی در میقات* از اشتیاق برادرش و تلاش فراوان و خون دل خوردن وی برای سنگچین کردن پیرامون قبور ۴ امام مدفون در بقیع سخن گفته است.^۲ نامه کاردار وقت ایران در جده به پدر سید محمد تقی، گویای بخشی از ویژگی‌های اخلاقی او است. وی آل احمد را به صفاتی مانند حسن خلق، علو طبع، متانت، وقار، و دستگیری از نیازمندان و ناتوانان ستوده و همین را مایه موفقیت او شمرده است.^۳

سید محمد تقی به سال ۱۳۳۲ ش. در مدینه درگذشت.^۴ شمس آل احمد به پشتوانه گفته‌های همسر و فرزند محمد تقی، بر این باور است که وی مسموم شده و در هفتم اردیبهشت آن سال به شهادت رسیده است.^۵ سید محمد تقی در قبرستان بقیع، در فاصله سه متری قبور ائمه بقیع علیهم‌السلام به خاک سپرده شد.^۶

۱. جلال از چشم برادر، ص ۱۶۱.

۲. خسی در میقات، ص ۴۲.

۳. جلال از چشم برادر، ص ۱۱۶.

۴. جلال از چشم برادر، ص ۱۱۶.

۵. جلال از چشم برادر، ص ۱۱۵؛ نک: خاطرات سفر مکه، ص ۲۱۰.

۶. جلال از چشم برادر، ص ۱۰۸؛ نک: خاطرات سفر مکه، ص ۲۱۰.

◀ منابع

آشنایی با مشاهیر طالقان: اسماعیل یعقوبی، موسسه فرهنگی محسنی، ۱۳۷۳ ش؛ جلال از چشم برادر: شمس آل احمد، تهران، بدیهه، ۱۳۷۶ ش؛ خاطرات سفر مکه: احمد و محمد علی هدایتی، تهران، ۱۳۴۳ ش؛ خسی در میقات: جلال آل احمد، اصفهان، خرم، ۱۳۸۸ ش؛ الذریعة الی تصانیف الشیعة: آقا بزرگ تهرانی (م. ۱۳۸۹ ق.)، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۳ ق؛ مقالات تاریخی: رسول جعفریان، قم، دلیل ما، ۱۳۸۷ ش.

مهدی ملک‌محمدی



آلبانی ← بالکان

آل برکات: خاندانی از آل قتاده، در شمار

حکمرانان و شرفای مکه

نسب این خاندان به زین‌الدین ابو‌زهیر^۷ برکات بن حسن بن عجلان بن رُمیثه و از طریق او با هفت واسطه به آل قتاده^{*} از اشراف بنو حسن مکه می‌رسد. ابن فهد نسب خاندان برکات را تا عبدمناف، جد سوم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، یاد کرده است.^۸

حسن بن عجلان (حک: ۸۰۹-۸۲۱ ق.) در

۷. نزهة النفوس، ج ۳، ص ۳۴۴-۳۶۵.

۸. غایة المرام، ج ۱، ص ۴-۱۳.

آگاهی یافت، دچار هراس شد و در عین هوشیاری و مراقبت، در موسم حج با احتیاط به پیشواز محمل* مصر آمد. امیر محمل از او دلجویی کرد و خلعتش بخشید. در پی سفر برکات به بیرون از مکه، ابوالقاسم بر مکه چیره گشت و تا ۸۵۱ق. بر این شهر حکومت کرد. در این سال، فرمان تأیید حکمرانی شریف برکات، برای بار چهارم صادر شد.^۶ اعتبار و منزلت شریف برکات نزد امیران مصر به اندازه‌ای بود که چون به مصر آمد، سلطان چَقَمَق با پیمودن راهی دراز به پیشوازش شتافت و او را بسیار گرمی داشت. در این سفر، شماری از اهل حدیث نزد شریف برکات آمدند و از وی که صاحب اجازات حدیث بود، بهره علمی برگرفتند.^۷

نامه‌نگاری‌های سلطان یمن، احمد بن اسماعیل، با شریف برکات که با تهدید و توییخ او همراه بود، از تیرگی روابط وی و حکمرانان یمن حکایت دارد.^۸ شاید از همین رو بود که شریف برکات خود را به حاکمان مصر نزدیک‌تر می‌کرد. همزمان با افزایش سلطه مصریان بر دریای سرخ، تجارت هندیان رونق گرفت و بر شمار حاجیان هندی افزوده

۸۰۹ق. فرزندش برکات را در حکمرانی خود بر مکه شریک کرد. سال بعد، فرزند دیگرش احمد را در حکمرانی شرکت داد. این هر سه تن تا ۸۱۸ق. نایب‌السلطنه^۱ سراسر حجاز شدند. حکمرانی مکه تا ۸۲۹ق. که حسن بن عجلان درگذشت، تحولاتی را از سر گذراند؛^۲ از جمله این که در ۸۲۷ق. سلطان مصر، برسبای چَرگَسی، این منصب را به شریف علی بن عنان، از عموزادگان مخالف حسن بن عجلان، وانهاد.^۳ سال بعد سلطان از این رأی بازگشت و حکمرانی را به حسن بن عجلان داد؛ اما آن‌گاه که آماده بازگشت به مکه شد، مرگش فرارسید و سلطان فرمان حکمرانی مکه را برای برکات بن حسن صادر کرد.^۴

در ۸۴۶/۸۴۵ق.^۵ سلطان چَقَمَق از ممالیک مصر که بر حجاز سلطه داشت، شریف برکات را از حکومت مکه برکنار نمود و حکمرانی برادرش علی را تنفیذ کرد. در پی این رخداد، برکات به یمن رفت. وی در ۸۴۹ق. بازگشت و با برادرش ابوالقاسم به نبرد برخاست و بر او چیره شد. اما چون از خشم سلطان مصر

۱. نزهة النفوس، ج ۳، ص ۲۴۷.

۲. تاریخ امراء مکه، ص ۱۸۸.

۳. تاریخ امراء مکه، ص ۱۸۸.

۴. تاریخ مکه، طبری، ج ۱، ص ۲۱۲؛ خلاصة الکلام، ص ۴۱.

۵. تاریخ امراء مکه، ص ۱۹۱.

۶. تاریخ امراء مکه، ص ۱۹۱-۱۹۲.

۷. تاریخ مکه، سباعی، ص ۳۷۰.

۸. تاریخ مکه، سباعی، ص ۳۷۱-۳۷۲.

شد و قافله‌های هندی به مکه آمدند.^۱ برسبای، از مماليك مصر، فرمان داده بود که یک سوم مالیات این قافله‌ها به حاکم مکه برسد و دو سوم دیگر برای او فرستاده شود. برکات افزایش سهم مکه را از او درخواست کرد و این خواسته پذیرفته شد. دحلان گزارش کرده که در ۸۴۰ق. فرمانی درباره تقسیم مساوی این درآمد‌ها صادر گشت.^۲ از دیدگاه مورخان، پرداخت سالانه ۱۰/۰۰۰ یا ۵۰۰۰ دینار از سوی امیر مکه به حاکمان چرکسی مصر، نشانه نفوذ این حاکمان در مکه، در آن روزگار است. در عهد چقمق چرکسی این نفوذ بیشتر شد و امیر سودون که از سوی او ناظر حرمین بود، در بسیاری از کارها دخالت می‌کرد. نفوذ حاکمان مصر در حرمین، از زمان مماليك آغاز شد و دخالت‌ها و بسیاری خواهی‌های آنان، سبب گشت اشراف مکه بر آنان بشورند و شماری از سپاهیان‌شان را بکشند.^۳ از عادات اشراف در این دوره آن بود که هنگام رسیدن سلطان مصر به مکه، پای شتر محمل او را می‌بوسیدند. برکات از سلطان چقمق خواست تا او را از این کار معاف کند و او هم این خواسته را پذیرفت.^۴

در دوران وی، به سال ۸۵۳ق. نخستین بار

مصریان همراه پرده کعبه، پرده‌ای نیز برای حجر اسماعیل فرستادند. از آن‌جا که این رخداد سابقه نداشت، آن پرده را درون کعبه نهاده، سال بعد بر حجر پوشاندند.^۵

برکات از ۸۵۱ق. تا پایان عمر، یعنی شعبان ۸۵۹ق. چهار بار به حکمرانی مکه رسید. او به کارهای ملک‌داری دانا بود و توانست با آرامش و عدالت بر مکه حکومت کند.^۶ پس از مرگش مردم بر جنازه‌اش نماز خوانده، به رسم اشراف مکه هفت بار گرد کعبه طوافش دادند و پیکرش را در گورستان معلات به خاک سپردند و بر قبرش قبه‌ای ساختند.^۷ شاعرانی فراوان در رثای او شعر سرودند.^۸

شریف برکات در دوران پایان عمر، به سال ۸۵۹ق. بر اثر پیری توان اداره مکه را نداشت. از این رو، به نایب جده، امیر جانی بیک ظاهری، نوشت تا از سلطان مصر بخواهد که ولایت فرزندش محمد را بر مکه تأیید کند. وی درخواست او را پذیرفت و فرمان حکمرانی برای محمد بن برکات فرستاد.^۹ در همین سال، سلطان محمد فاتح، از حاکمان عثمانی، قسطنطنیه (استانبول کنونی)

۱. تاریخ مکه، سباعی، ص ۳۶۷.

۲. خلاصه الکلام، ص ۴۲.

۳. خلاصه الکلام، ص ۳۸.

۴. تاریخ مکه، سباعی، ص ۳۶۸.

۵. تاریخ مکه، طبری، ج ۱، ص ۲۴۱.

۶. تحصیل المرام، ج ۲، ص ۷۶۴-۷۶۵.

۷. خلاصه الکلام، ص ۴۳.

۸. تاریخ مکه، سباعی، ص ۳۷۱.

۹. تاریخ مکه، طبری، ج ۱، ص ۲۴۹-۲۵۰.

را فتح کرد.^۱

محمد بن برکات به عدالت و دانش اندوزی مشهور بود و حکومتش ۴۳ سال به درازا انجامید.^۲ در عهد وی، سلطنت مصر به ملک قایتبای انتقال یافت و او فرمان لغو مالیات را به مکه فرستاد.^۳ همو فرزندش، برکات دوم، را از ۸۷۷ق. در کار حکمرانی شریک کرد و تا هنگام درگذشتش به سال ۹۰۳ق. این هر دو تن با آرامش مکه را اداره کردند. محمد در منطقه آبیاری، در جنوب مکه، درگذشت و پیکرش به مکه انتقال یافت و در آن جا به خاک سپرده شد.^۴ ماتم همگانی و تعطیلی عمومی نشانه رضایت مردم از رفتار سیاسی و عملکرد او شمرده شده است.^۵ وی در مکه رباطی برای فقرا ساخت و اوقافی بسیار را به آبرسانی نواریه، در راه میان جده و مکه، اختصاص داد. مشهورترین فرزندان او برکات، احمد جازان، هزاع، قایتبای، علی و راجح درگیری‌های سیاسی بسیاری را در مکه آغاز کرده، جنگ و ناآرامی به راه انداختند.^۶

در ۹۰۴ق. فرمان عزل برکات دوم و حکمرانی هزاع از مصر رسید. هزاع با موکب

مصری تا یثع رفت و برکات فرصت را غنیمت شمرده، دیگر بار بر مکه چیره شد. در سال‌های بعد بارها این حکمرانی دست به دست گشت.^۷ در یکی از آخرین درگیری‌ها برکات به جنوب مکه رفته بود. در این هنگام، احمد جازان به شهر هجوم آورد و بر تخت حکمرانی نشست و امیرالحاج مصری را راضی کرد که برادرش را دستگیر سازد و در غل و زنجیر به مصر روانه کند. سلطان الغوری، حکمران مصر، از این کار امیرالحاج خشمگین شد^۸ و برکات را آزاد ساخت و در منزلی در قاهره جای داد و اکرام کرد. حُمیضه نیز گروهی از تُرک‌ها را برانگیخت و آنان در ۱۹ رجب ۹۰۹ق. احمد را کشتند. سپس خود بر جایش نشست و در موسم حج از قافله‌های حج گزاران استقبال کرد.^۹ پس از چندی برکات بن محمد با بسیج کردن قبایل مختلف، سپاهی فراهم آورد و همراه آن به عرفات رفت و خیمه‌هایش را در دامنه جبل الرحمه برپا کرد. وی در ۱۲ ذی حجه ۹۰۹ق. پس از نابود ساختن سپاه حمیضه بر تخت حکمرانی نشست. سپس فرمان تأیید حکومت او از سوی سلطان الغوری رسید.^{۱۰} او در ۹۱۵ق. به دیدار

۱. تاریخ مکه، طبری، ج ۱، ص ۲۵۰.

۲. خلاصة الکلام، ص ۴۴؛ تحصیل المرام، ج ۲، ص ۷۶۶-۷۶۷.

۳. خلاصة الکلام، ص ۴۴-۴۵؛ تاریخ مکه، سباعی، ص ۳۷۳.

۴. بلوغ القرى، ج ۱، ص ۱۰۲۰.

۵. بلوغ القرى، ج ۱، ص ۱۰۲۰.

۶. تاریخ مکه، طبری، ج ۱، ص ۲۸۹.

۷. تحصیل المرام، ج ۲، ص ۷۶۸؛ افادة الانام، ج ۳، ص ۳۲۰-۳۲۰.

۸. افادة الانام، ج ۳، ص ۳۴۴-۳۴۶.

۹. تحصیل المرام، ج ۲، ص ۷۶۸.

۱۰. خلاصة الکلام، ص ۴۸-۴۹.

سلطان مصر رفت. در سال ۹۱۸ق. سلطان دیگر بار برکات را برای دیدار از مصر دعوت کرد؛ اما او عذر خواست و فرزند خردسالش، محمد ابونمی دوم، را همراه اعیان و اشراف فرستاد. پس از سقوط چراکسه و تسلط طوما بیگ بر مصر و حجاز و آمدن عثمانیان به سال ۹۲۳ق.^۱ حکمرانی مکه همچنان در دست آل برکات باقی ماند.^۲ سلطان سلیم عثمانی* حکمرانی برکات بن محمد و فرزندش محمد را تنفیذ کرد. برکات دوم، فرزند خردسالش ابونمی دوم را نزد سلطان مصر فرستاد.

حکمرانی نهایی برکات تا سال وفاتش یعنی ۹۳۱ق. ادامه یافت. وی در مجموع ۵۴ سال حکومت کرد.^۳ سپس فرزندش محمد معروف به ابونمی دوم که تا آن هنگام در حکمرانی با پدر شریک بود، مستقلاً به حکومت پرداخت. در ۹۴۵ق. فرمان مشارکت احمد، فرزند ارشد ابونمی دوم، از مصر رسید. پس از وفات احمد در ۹۶۱ق. حسن جای او را گرفت. ابونمی دوم تا ۹۷۴ق. بر حجاز حکومت کرد و در سال ۹۸۴ق. با لشکری عظیم در بندر جدّه با پرتغالی‌ها روبه‌رو شد و آنان را شکست داد.^۴ او حکمرانی را به

فرزندش حسن وانهاد و دوران پیری را در منطقه آبیاری، در جنوب مکه، سپری کرد و در ۹۹۲ق. درگذشت.^۵ آن‌گاه شریف حسن بر مسند حکمرانی مکه تکیه زد و با همان درایت و کیاست پدر، حکم راند^۶ و تا ۱۰۱۰ق. حکومتش برقرار بود.^۷ سپس فرزندش ابوطالب جای او را گرفت.^۸ اختلاف ابوطالب با شریف ادیس بن حسن موجب شد تا حکومت مکه به تناوب و توالی به او و ادیس، محسن بن حسن و احمد بن عبدالله بن حسن برسد. سپس زید بن محسن، از فرزندان و نوادگان ابونمی، به حکمرانی مکه دست یافت.^۹ از نیمه نخست سده یازدهم تا سده چهاردهم، سه طایفه از نوادگان ابونمی دوم برای تصاحب مقام شریفی مکه با یکدیگر رقابت داشتند: ذووزید، ذووعبدالله و ذوو برکات.

پس از وفات سعد بن زید در ۱۰۸۲ق. حکمرانی مکه از آل زید* به آل برکات انتقال یافت و برکات بن محمد بن ابراهیم بن برکات بن ابونمی دوم، معروف به برکات سوم (حک: ۱۰۱۳-۱۰۹۵ق.) حاکم مکه گردید.^{۱۰} حکمرانی او به همت شیخ محمد مغربی، از خواص

۵. تحصیل المرام، ج ۲، ص ۷۶۹.

۶. تاریخ امراء مکه، ص ۲۱۸.

۷. تحصیل المرام، ج ۲، ص ۷۷۰-۷۷۵.

۸. تحصیل المرام، ج ۲، ص ۷۷۵-۷۷۶.

۹. تحصیل المرام، ج ۲، ص ۷۷۶.

۱۰. تحصیل المرام، ج ۲، ص ۷۹۰.

۱. تاریخ مکه، طبری، ج ۱، ص ۲۵۹.

۲. تاریخ مکه، طبری، ج ۱، ص ۳۶۰.

۳. تاریخ مکه، طبری، ج ۱، ص ۴۰۵.

۴. خلاصه الکلام، ص ۵۳.

به شمار می‌رود.^۵ از آن پس شریف احمد، شریف سرور و افرادی از آل زید تا بر کار آمدن آل سعود، بر مکه حکومت کردند.^۶ در دوران حکمرانی برخی از آل برکات مانند برکات اول، به طور کلی، امنیت و آرامش و تعادل سیاسی برقرار بود. اما در عهد برخی مانند برکات سوم، درگیری و جنگ داخلی و نزاع سیاسی به یک سنت بدل شده بود. مسبب همه این ناآرامی‌ها شخص حاکم نبود و قدرت‌طلبی برخی اشراف و چشم داشتن آنان به حکمرانی، تأثیری بسزا در این نابسامانی‌ها و بی‌ثباتی سیاسی داشت و به جنگ‌های سیاسی می‌انجامید. با وجود این، درباره آل برکات، در قیاس با دیگر اشراف مانند آل زید، نگرشی مثبت در میان مورخان وجود دارد و گزارش‌های آنان نشان می‌دهد که آل برکات اهل آرامش، عدالت، علم، خدمتگزاری، کیاست و سیاست بوده‌اند. بررسی رفتار سیاسی حاکمان آل برکات نشان می‌دهد که نسل اول اینان، افرادی برجسته‌تر و اهل کشورداری و عدل و داد بوده‌اند؛ اما نسل دوم در عملکرد و رفتار سیاسی، اختلاف فراوان داشتند و عدالت را همانند نسل اول رعایت نمی‌کردند و از این رو به اندازه آنان با اقبال عمومی مردم روبه‌رو نبودند.

۵. خلاصه الکلام، ص ۲۰۳؛ افاده الانام، ج ۳، ص ۴۸.

۶. تاریخ مکه، سباعی، ص ۵۱۸-۵۳۵.

صدراعظم عثمانی احمد گُوپریلی که با ذوو زید دشمنی داشت، برپا شد. محمد مغربی اصلاحاتی به سود بیگانگان ساکن مکه و طبقات فقیر صورت داد.^۱ در عهد همو بود که شماری از شیعیان را به اتهام واهی نجس کردن کعبه، سنگباران کردند.^۲ در ۱۰۹۴ق. سعید بن برکات جانشین پدر شد. اختلاف وی با عموزادگان ذوو زید به درگیری‌های فراوان و تغییرهای پیاپی در حاکمیت مکه انجامید. پس از یحیی، فرزندش برکات در ۱۱۳۵ق. حکمرانی یافت؛ اما در جنگ با مبارک بن احمد شکست خورد و دیگر بار حکومت به افرادی از آل زید انتقال یافت.^۳ از سده دوازدهم به بعد، همواره حکومت مکه میان اشراف آل زید، آل عبدالکریم و بنی برکات دست به دست می‌شد. از خاندان برکات، عبدالکریم برکاتی تا ۱۱۲۳ق. و یحیی بن برکات نیز بیش از دو سال حاکم مکه شدند. آخرین فرد از خاندان برکات، عبدالله بن حسین برکاتی بود که در سال ۱۱۸۴ق. با یاری نظامیان مصر بر مکه غلبه یافت؛ اما حکمرانی او چند ماه بیشتر دوام نیاورد.^۴ پدرش، حسین، جد اشراف بنی حسین از شاخه‌های آل برکات

۱. تاریخ مکه، سباعی، ص ۴۵۴-۴۵۷.

۲. سمط النجوم، ج ۴، ص ۵۲۹؛ خلاصه الکلام، ص ۹۷.

۳. تاریخ مکه، سباعی، ص ۴۶۱، ۵۰۰-۵۰۱؛ نک: خلاصه الکلام،

ص ۹۹-۱۰۲، ۱۷۷-۱۸۰؛ الاعلام، ج ۲، ص ۴۹.

۴. تاریخ مکه، سباعی، ص ۵۱۷؛ خلاصه الکلام، ص ۲۰۳.

◀ منابع

الاعلام: الزركلى (م. ۱۳۹۶ق.)، بيروت، دار العلم للملايين، ۱۹۹۷م؛ افادة الانام: عبدالله بن محمد الغازى (م. ۱۳۶۵ق.)، به كوشش ابن دهيش، مکه، مكتبة الاسدى، ۱۴۳۰ق؛ بلوغ القرى: عز بن فهد (م. ۹۲۲ق.)، به كوشش صلاح الدين بن خليل، قاهره، دار القاهره، ۱۴۲۵ق؛ تاريخ امراء مکه: عبدالفتاح حسين راوة، الطائف، مكتبة المعارف؛ تاريخ مکه (تحاف فضلاء الزمن): محمد بن على الطبرى (م. ۱۷۳ق.)، به كوشش محسن محمد، قاهره، دار الكتاب الجامعى؛ تاريخ مکه: احمد السباعى (م. ۱۴۰۴ق.)، نادى مكة الثقافى، ۱۴۰۴ق؛ تحصيل المرام: محمد بن احمد الصباغ (م. ۱۳۲۱ق.)، به كوشش ابن دهيش، مکه، ۱۴۲۴ق؛ خلاصة الكلام فى بيان امراء البلد الحرام: احمد بن زبى دحلان (م. ۱۳۰۴ق.)، مصر، المطبعة الخيرية، ۱۳۰۵ق؛ سمط النجوم العوالى: عبدالملك بن حسين العصامى (م. ۱۱۱۱ق.)، قاهره، المكتبة السلفية؛ غاية المرام باخبار سلطنة البلد الحرام: عبدالعزيز بن فهد المكى (م. ۹۲۰ق.)، به كوشش شلتوت، جده، دار المدنى، ۱۴۰۶ق؛ نزهة النفوس و الابدان فى تواريخ الزمان: على بن داد الصيرفى، به كوشش حسن حبشى، مصر، دار الكتب، ۱۹۷۳م.

على احمدى ميرآقا



آله حبیبی: در زمره سادات علوی عراق،

از نسل شریف عزالدین حَمِيْضَه امير مکه

آله حبیبی از خاندان های علوی مشهور شیعه در عراق اند.^۱ آنان اصالت حجازی

۱. نقباء البشر، ج ۲، ص ۸۱۴-۸۱۵.

دارند^۲ و با آل عطیه، از اشراف حسینی حاکم بر مدینه^۳ در نسب مشترک و از نسل شریف ابو محمد عزالدین حَمِيْضَه، امير مکه (حك ۷۰۱-۷۱۸ق.) هستند^۴ که نسبش با ۱۹ واسطه به امام حسن علیه السلام می رسد.^۵ حَمِيْضَه در سال ۷۱۸ق. از حجاز کوچ کرد و به سال ۷۲۰ق. در عراق ساکن شد.^۶ ابن شَدَقَم^{*} برای او بازماندگانی در عراق و ایران برشمرده است^۷ که آل حبیبی از آن جمله اند. این خاندان هنوز در حجاز به ویژه مدینه منوره بستگانی دارند که آل سید عمران از آنان است.^۸ سید حسن امین از آنان با عنوان «خاندانی شریف» یاد کرده است.^۹

نام آورترین شخصیت علمی این خاندان، سید محمد سعید بن سید محمود آل حبیبی (۱۲۶۶-۱۳۳۳ق.) دانشمند بزرگ شیعه و رهبر مجاهدان عراق در برابر تجاوز انگلستان به عراق است^{۱۰} که مدتی را در حجاز و نجد به تجارت گذراند.^{۱۱} وی در جوانی از

۲. نقباء البشر، ج ۲، ص ۸۱۵.

۳. موسوعة مكة المكرمة، ج ۱، ص ۱۶۰.

۴. العقد الثمين، ج ۴، ص ۲۳۲.

۵. عمدة الطالب، ص ۲۴۱.

۶. نقباء البشر، ج ۲، ص ۸۱۴.

۷. تحفة الازهار، ج ۱، ص ۲۴۶.

۸. نقباء البشر، ج ۲، ص ۸۱۵.

۹. مستدرکات اعيان الشيعة، ج ۵، ص ۲۶۸.

۱۰. تاريخ الحركة الاسلامية، ص ۱۶۵؛ تاريخ النجف الاشرف، ص ۱۴.

۱۱. الاعلام، ج ۶، ص ۱۴۲؛ نقباء البشر، ج ۲، ص ۸۱۶.